پیامبر صلی الله علیه وسلم شخصی از طایفه ی «اَزد»، به نام «ابن لُتبیّه» را برای جمع آوری زکات فرستاد و چون به مدینه بازگشت، گفت: اینها، (اموال زکات و) مالِ شماست و این را هم به من هدیه داده اند. پیامبر صلی الله علیه وسلم بالای منبر رفت و پس از حمد و ثنای الله فرمود:

از ابوحمید ساعدی رضی الله عنه روایت است که می گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم شخصی از طایفه ی «اَزد»، به نام «ابن لُتبیّه» را برای جمع آوری زکات فرستاد و چون به مدینه بازگشت، گفت: اینها، (اموال زکات و) مالِ شماست و این را هم به من هدیه داده اند. پیامبر صلی الله علیه وسلم بالای منبر رفت و پس از حمد و ثنای الله فرمود: «أَمَّا بَعْدُ، فَإِنِّي أَسْتَعْمِلُ الرَّجُلَ مِنْكُمْ علي الْعمَلِ مِمَّا ولاَّنِي اللَّه، فَيَأْتِي فَيَقُول: هَذَا لَكُمْ، وَهَذَا هَدِيَّةٌ أُهْدِيَت إِلَيَّ، أَفَلا جلس في بيتِ أَبيهِ أَوْ أُمِّهِ حتَّى تأْتِيَهُ هديته إِنْ كَانَ صادِقاً، واللَّه لا يأْخُذُ أَحدٌ مِنْكُمْ شَيْئًا بِغَيْرِ حقِّهِ إِلاَّ لَقِيَ اللَّه تَعالَى، يَحْمِلُهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ، فَلا أَعْرِفَنَّ أَحداً مِنْكُمْ لَقِيَ اللَّه يَحْمِلُ بعِيرًا لَهُ رغَاء، أَوْ بَقرة لَهَا خُوار، أَوْ شاةً تيْعَرُ»: «اما بعد؛ من یکی از شما را بر کاری می گمارم که الله به من سپرده است؛ او (پس از انجام مأموریش) می آید و می گوید: این، از آن شماست و این را به من هدیه داده اند. پس اگر واقعاً راست می گوید، چرا در خانه ی پدر و مادرش نمی نشیند تا هدیه اش به او برسد؟ به الله سوگند که هرکس چیزی را به ناحق بخورد، روز قیامت الله را در حالی ملاقات می کند که آن را بر دوشِ خویش حمل می کند؛ مبادا هیچیک از شما را ببینم که الله را در حالی ملاقات کند که شتر یا گاو یا گوسفندی که بانگ می زند، بر روی دوش او باشد». سپس دستانش را به اندازه ای بالا گرفت که سفیدی زیرِ بغلش دیده شد و فرمود: «اللَّهُمَّ هَلْ بَلَّغْتُ»: «یا الله، آیا تبلیغ کردم؟».

[صحیح است] [متفق علیه]

رسول الله صلی الله علیه وسلم مردی از طایفه ی ازد که به وی ابن اللتبیه گفته می شد برای جمع آوری زکات به خدمت گرفت؛ پس از پایان کارش، وقتی به مدینه بازگشت به بخشی از اموال زکاتی که با خود آورده بود اشاره کرد و گفت: ای مسلمانان اینها برای شما هستند؛ و این مقدار را به من هدیه داده اند؛ این بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم به منبر رفت تا در این زمینه نکاتی را به مردم بیاموزد و آنها را از این عمل بر حذر دارد؛ پس حمد و ثنای الله متعال گفت و سپس فرمود: «اما بعد، من مردی از میان شما را برای کاری به خدمت می گیرم که الله متعال مرا بدان مکلف کرده و در مورد اموال زکات و غنایم می باشد؛ اما وی پس از انجام ماموریتش می آید و می گوید: این برای شماست و این را به من هدیه داده اند؛ اگر راست می گوید چرا این شخص در خانه ی پدر یا مادرش نمی نشیند تا هدیه اش را بیاورند؛ ای کسانی که مسئولیتی به شما سپرده می شود، به خدا سوگند هیچیک از شما چیزی از آنچه به او داده می شود، به ناحق برای خود نمی گیرد مگر اینکه در روز قیامت الله متعال را درحالی ملاقات می کند که آن را بر دوش حمل می کند چه شتری باشد یا گاوی یا گوسفندی؛ سپس دستانش را چنان بلند نمود که صحابه رضی الله عنهم سفیدی زیر بغلش را دیدند و سه بار فرمود: بارالها آیا ابلاغ نمودم.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/5791